

تحلیلی بر نابرابری‌های مسکن روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در سال 1387

ابوالفضل قنبری *

تاریخ دریافت مقاله:

1390/05/29

تاریخ پذیرش مقاله:

1390/08/22

چکیده

اهداف پژوهش حاضر رتبه بندی، تعیین سطوح توسعه یافتگی و اندازه گیری شکاف و واگرایی ناحیه‌ای با استفاده از 37 شاخص در زمینه شاخص‌های کمی و کیفی مسکن روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در سال 1387 می باشد. داده های پژوهش حاضر از طرح آمارگیری ویژگی‌های مسکن روستایی پاییز 1387 استخراج شده است. روش پژوهش «توصیفی - تحلیلی» است. ابتدا با استفاده از روش‌های تحلیل عاملی، شاخص ترکیبی توسعه انسانی، تاپسیس، امتیاز استاندارد و تاکسونومی عددی، درجه توسعه یافتگی نواحی محاسبه و رتبه هر یک از نواحی در شاخص‌های مورد مطالعه مشخص شده است. سپس با بهره گیری از روش تحلیل خوشه ای، نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در سه سطح توسعه یافته، نیمه توسعه یافته و محروم طبقه بندی شدند. نتایج حاصل از روش‌های کمی مورد استفاده تفاوت‌هایی را در سلسله مراتب سطوح توسعه نشان می دهد. چنانچه به عنوان نمونه برخورددارترین نقاط روستایی شهرستان استان در روش تحلیل عاملی و شاخص ترکیبی توسعه انسانی به ترتیب تبریز و شبستر می باشد. در حالی که محروم ترین نقاط روستایی استان در همین روش ها به ترتیب چاراویماق و ورزقان می باشد. همچنین نوسان در سلسله مراتب سطوح توسعه در روش‌های امتیاز استاندارد، تاکسونومی عددی و تاپسیس نیز دیده می شود. از این رو جهت رسیدن به جواب بهینه از روش تلفیقی و میانگین رتبه های هر یک از روش ها استفاده شده است. نتایج حاصل از بهره گیری از روش تلفیقی در رتبه بندی و تعیین سلسله مراتب سطوح توسعه در استان نشان می دهد که تبریز به عنوان برخورددارترین نقاط روستایی و ورزقان به عنوان محروم ترین نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی شناخته می شود. همچنین نتایج حاصل از روش تحلیل خوشه ای نشان می دهد که تقریباً بیشتر نقاط توسعه یافته روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در مرکز استان و یا در اطراف نقاط مسلط شهرستان‌های استان از جمله تبریز یا مراغه قرار گرفته اند که این امر ناشی از تبعیت الگوی توسعه نقاط روستایی استان از الگوی مرکز - پیرامون می باشد.

واژگان کلیدی: نابرابری، مسکن، نقاط روستایی، شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی، 1387.

* استادیار گروه پژوهش‌های جغرافیای دانشگاه تبریز. A_ghanbari@tabrizu.ac.ir

مقدمه

مسکن به عنوان یکی از پدیده‌های واقعی از نخستین مسایلی است که بشر همواره با آن دست به گریبان بوده و همواره در تلاش برای دگرگونی و یافتن پاسخی مناسب، معقول و اندیشیده برای آن است (اهری و دیگران، 1370). در حال حاضر مسئله‌ای که راجع به مسکن در سطح جهانی از آن صحبت می‌شود، مسئله کمبود واحدهای مسکونی است و در عین حال آنچه که به کیفیت واحدهای مسکونی باز می‌گردد تقریباً در بسیاری از نقاط دنیا رعایت نمی‌شود.

مشکل مسکن در همه جای دنیا وجود دارد اما این موضوع در کشورهای جهان سوم، به دلایل متعدد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حادتر است. از جمله این مسایل در کشورهای در حال توسعه می‌توان به رشد سریع جمعیت و شهرنشینی، مهاجرت‌های داخلی، فقدان منابع مالی کافی، مشکلات مربوط به عرضه زمین، تأمین مصالح ساختمانی و کمبود نیروی انسانی متخصص و مهم‌تر از همه نبود خط‌مشی، سیاست‌گذاری و برنامه‌های مناسب در خصوص زمین و مسکن این مشکل به صورت حاد و بحرانی درآمده است (دلال پور محمدی، 1379: 18). علاوه بر عوامل فوق‌الذکر در زمینه مسکن روستایی باید سیاست‌های غلط گذشته مبنی بر شهر محور بودن سیاست‌ها را نیز به آن‌ها افزود.

امروزه کمتر جامعه‌ای چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در کشورهای در حال توسعه می‌تواند مدعی حل معضل مسکن در ابعاد و کیفی آن باشد. بنا به دلایل فوق‌الذکر این مسئله به‌ویژه در بین کشورهای در حال توسعه حادتر است. مشکل مسکن را باید در ساختار و روابط قدرت چه در مقیاس جهانی و چه در سطح ملی - محلی جستجو کرد. «به موجب اصل سی و یکم قانون

اساس جمهوری اسلامی ایران داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی دانسته شده است و دولت موظف شده با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندترند به خصوص روستائیان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم آورد" (هادی زنوز، 1384: 23). ولی تاکنون دولت در این زمینه با مشکلات متعددی مواجه شده است. مشکلات مسکن مانند دیگر ناهمواری‌های موجود در جامعه پدیده‌ای نیست که بتوان آن را جدا و بی‌ارتباط با دیگر ناهنجاری‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی مورد ارزیابی قرارداد (چایلد، 1379: 53). چنین فرایندی یعنی برنامه‌ریزی مسکن، زمانی موفق خواهد بود که بتواند با دریافت درستی از واقعیات به‌طور مداوم خود را با نیازهای واقعی منطبق کرده و سیاست و پویایی یک نظام برنامه‌ریزی مناسب را به منصف ظهور رساند (افشار، 1373).

مساکن روستایی در ایران با توجه به تنوع اقلیمی و جغرافیایی دارای تیپ‌های مختلفی است. این مساکن با توجه به ویژگی‌های جغرافیای، وضعیت زمین، نوع معشیت، شیوه‌های زیستی و سبک زندگی هر ناحیه ساخته شده‌اند. روستائیان با توجه به دسترسی به مواد اولیه مسکن که اغلب از منابع محلی تأمین می‌شود، اقدام به احداث مسکن خود می‌نمایند که در نهایت استانداردهای مربوط به مسکن، رعایت نشده است. از این رو توجه جدی به کیفیت و کمیت ساختمان‌ها یا به عبارتی مسکن روستایی در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی لازم و ضروری می‌نماید، چرا که مسکن مناسب و استاندارد از شاخص‌های توسعه‌ی روستایی به شمار می‌آید (لطفی و دیگران، 1388: 107-106). بنابراین لزوم توجه به مسکن و به برنامه‌ریزی آن در قالب برنامه‌ریزی‌های ملی، منطقه‌ای، شهری و روستایی بیش از

چنین مسائلی دست به گریبانند (Gallent, & et al, 15: 2003). مسئله بی خانمانی و نداشتن سرپناه یک مشکل جهانی است (Milbourn & Cloke, 2006: 1) حتی کشورهای توسعه یافته نیز در برخی موارد از این قاعده مستثنی نیستند.

«در ایالات متحده آمریکا، با وجود تسلط مسکن خصوصی، نابرابری مسکن غلبه دارد که این امر ناشی از یک گروه از عوامل و شرایط اقتصادی - اجتماعی نظیر تبعیض نژادی است (Galster, 1988). در کشورهای مرفه نظیر کشورهای اسکاندیناوی و بریتانیا، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم تعداد گسترده‌ای از مسکن اجتماعی عمومی در دسترس است و نابرابری مسکن تا حدودی اهمیت کمتری دارد اما پس از کناره گیری دولت رفاه و غلبه بخش خصوصی و دولت راست گرا در بریتانیا، نابرابری مسکن به طور فزاینده‌ای افزایش یافت (Burrows, 1999). به رغم تسلط مسکن عمومی در کشورهای با اقتصاد سوسیالیستی، نابرابری مسکن غلبه دارد (Szeleny, 1978; 1983; Logan & et al, 1999).

مسئله مسکن در کشورهای در حال توسعه حادثتر است. علاوه بر مشکلات کمی، مشکلات کیفی نیز بر مشکلات این گونه کشورها سایه انداخته است. «به طوری که در کشورهای در حال توسعه، معدودی از جامعه امکان دسترسی به مسکن مناسب خود را به دست می‌آورند. در نتیجه بقیه قشرهای اجتماعی به ویژه گروه‌های وسیع کم درآمد از داشتن یک سکونتگاه مناسب در رنج هستند» (اُهری و دیگران، 1370).

مسئله و مشکل مسکن در ایران نیز قبل از دهه 1330 چندان مسئله ساز نبوده است. تجلی و نمود نابرابری در مسکن روستائیان را می‌توان در ظهور بد مسکنی و بی مسکنی و تکوین و گسترش نواحی حاشیه نشینان در

پیش احساس می‌شود، تا بلکه برنامه ریزان با استفاده از دانش و تکنیک‌های برنامه ریزی در راستای حل مشکلات مسکن توفیق حاصل نمایند.

در راستای آگاهی از نحوه حل مسایل مسکن روستایی و نیز میزان تحقق برنامه‌های مسکن توسط سازمان‌های دولتی و یا سایر بخش‌ها نیاز به ابزاری است تا بر اساس آن‌ها بتوان وضعیت عملکرد اهداف تعیین شده را سنجید. در این رابطه شاخص‌های مسکن می‌تواند کمک شایانی در برآورد و وضعیت سنجی مسکن روستایی کشور ارائه نماید. شاخص‌های مسکن از یکسری شاخص‌های کمی و کیفی به دست می‌آید. به هر حال انجام چنین تحلیل‌های کمی و کیفی با استفاده از روش‌های ریاضی و آماری و دستیابی به ابعاد مختلف مسکن روستایی در کشور، توجه به شاخص‌های مسکن را لازم و ضروری می‌نماید. شاخص‌های مسکن به عنوان ابزاری برای نمایاندن اجزا و ابعاد مختلف مسکن همچون شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی و شناسایی بهتر وضعیت مسکن روستایی کمک شایانی به این امر می‌نمایند. این شاخص‌ها به صورت مقادیر و آمارها، معرف‌ها، متغیرها، مفاهیم و توصیف‌هایی که بازتابی از این شرایط هستند، به کار گرفته می‌شوند. از این رو هدف مطالعه حاضر نمایاندن نابرابری‌های مسکن نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی با بهره گیری از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن است.

بیان مسئله

نابرابری مسکن یکی از موضوعات محوری در مطالعات اجتماعی (Huang & Jiang, 2009: 937) و نیز یکی از مهم‌ترین ابعاد ملموس نابرابری اجتماعی است (Huang, 2005). در حال حاضر مسائل مسکن یک امر جهانی شده و جوامع کشورهای مختلف نیز با

اهمیت و ضرورت تحقیق

روستاها مرکز تولیدات کشاورزی، دامی، صنایع دستی و کانون تأمین مایحتاج خوراکی جمعیت کشور هستند. به اعتباری می‌توان آن‌ها را کانون تولید ثروت و ارزش افزوده در کشور محسوب نمود. زیرا به رغم میزان سرمایه‌گذاری اندک در مقایسه با شهرها، حدود یک سوم تولید ناخالص ملی کشور از آن‌ها به دست می‌آید (طالب و دیگران، 1379). تجربه نشان می‌دهد در مناطقی که روستاها مورد غفلت و بی‌توجهی بوده‌اند مشکلات شهری - روستایی بیشتر و در مناطقی که از عمران و آبادانی بهتری برخوردار بوده‌اند نابسامانی منطقه‌ای کمتر بوده است (سعیدی و طالب، 1376). به همین دلیل نادیده گرفتن و رها نمودن روستاها و بی‌توجهی نسبت به مسکن و بافت آن‌ها ضمن نادیده گرفتن شرایط آسایش برای بخش قابل توجهی از جمعیت کشور؛ بر هم زدن تعادل اجتماعی - اقتصادی کالبدی مناطق و متعاقب آن بروز نابسامانی در نظام سکونتگاهی کشور را به دنبال خواهد داشت (حبیبی، 1375).

موجودی مسکن در یک جامعه شاخص کلیدی در کیفیت زندگی است و بینشی برای زنده و پویا بودن مکان ارائه می‌نماید (Sawicki & Flynn, 1996). مسکن چیزی بیش از دیوارها و سقف‌ها است. مسکن خوب همبستگی بین جوامع را تقویت می‌کند، مسکن خوب، سلامتی، پایداری و امید را برای ساکنان به همراه می‌آورد (Powers, Davis & Iloja, 2000: 1). با توجه به این که مسکن یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی و یکی از نیازهای اساسی انسان محسوب می‌شود، بنابراین جایگاه مسکن، برنامه‌ریزی برای آن و لزوم توجه به آن از اهمیت زیادی برخوردار است. «مهم‌ترین دلایل توجه به مسئله مسکن روستایی عبارتند از: تحول شرایط زندگی روستایی و الزام تطابق با شرایط حال، ضرورت کاهش

کلانشهرها دانست که در صورت عدم پیشگیری در مبدأ یعنی روستاها روز به روز بر مشکلات و ابعاد بد آن در مقصد یعنی کلانشهرها خواهد افزود. با وجود آنکه پس از انقلاب اسلامی تلاش‌هایی در زمینه محرومیت زدایی و بهبود کمی و کیفی مسکن روستائیان توسط نهادهایی انقلابی همچون بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و جهاد سازندگی صورت گرفته است ولی تا به حال توفیق چندانی در این زمینه حاصل نشده است. چنانچه در صورت ادامه چنین وضعیتی عدالت اقتصادی و اجتماعی و در نهایت پایداری نواحی زیر سؤال خواهد رفت.

مطالعه حاضر جهت رسیدن به توسعه متعادل ناحیه‌ای در استان آذربایجان شرقی، در پی شناخت موقعیت و چگونگی توزیع امکانات توسعه در زمینه شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در سال 1387 است. برای نیل به این مهم با بهره‌گیری از مدل‌ها و روش‌های آماری، شاخص‌های کمی و کیفی مسکن بارگذاری شده، درجه و میزان توسعه یافتگی هر یک از نواحی مشخص شده است. با توجه به مسائل و مشکلات مسکن روستایی، مقاله حاضر در پی آن است که با بررسی وضعیت مسکن نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در سال 1387 به لحاظ شاخص‌های کمی و کیفی مسکن به سؤالات زیر پاسخ دهد:

1. آیا میان نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی به لحاظ برخورداری از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن تفاوت فاحشی وجود دارد؟
2. آیا نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی به لحاظ برخورداری از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن قابل تقسیم‌بندی به نواحی توسعه یافته، نیمه توسعه یافته و محروم می‌باشند؟

1200820 نفر و معادل 34/33 درصد یکی از عمده ترین دارندگان نقاط روستایی در کل کشور می باشد. ضرورت توجه به تأمین مسکن و بالا بردن شاخص های کمی و کیفی مسکن روستائیان را بیش از پیش برای سیاستگذاران و طراحان توسعه نمایان می سازد. همچنین با توجه به این که عدم توجه به کمیت و کیفیت مسکن روستایی به صورت حاشیه نشینی در شهرها و به ویژه در کلانشهرهای کشور ظهور و نمود می یابد. بنابراین باید سیاستگذاران و برنامه ریزان توجه بیشتری را به این امر معطوف نمایند. زیرا عدم توجه به این امر می تواند صدمات جبران ناپذیری را بر توسعه متعادل وارد نماید و عدالت اجتماعی و اقتصادی را زیر سؤال برد.

شاخص های مورد استفاده در تحقیق

شاخص ها در واقع ابزارهای اندازه گیری و سنجش وضع مسکن و روند تحول آن و همچنین ارزیابی میزان موفقیت و تحقق سیاست های مسکن محسوب می شوند (سرتیپی پور، 1384: 46). تجربه کشورهای مختلف در نگاه به موضوع شاخص های مسکن، حاکی از توجه شایان به این موضوع است (عزیزی، 1373 و زبردست، 1379). اهداف بررسی شاخص های مسکن می تواند در قالب موارد ذیل دسته بندی شود (عزیزی، 1384: 26):

1. فراهم کردن چهارچوب لازم برای سیاستگذاری و برنامه ریزی در مسکن و نظارت بر آن؛
2. شناخت و تبیین روابط حاکم بر ابعاد مختلف مسکن و ارزیابی نتایج حاصل از سیاست های مختلف؛
3. پایه گذاری روابط صحیح بین ابعاد مختلف مسکن که می تواند در جهت تدوین سیاست ها باشد؛
4. فراهم کردن ابزار تحلیلی مناسب برای سیاستگذاران و برنامه ریزان با شناخت کامل از تحولات و دگرگونی ها.

خسارت بلایای طبیعی، سیل، زلزله، طوفان و رانش زمین، الزامات بهسازی و مقاوم سازی مساکن وابسته، فراهم آوردن محیط مناسب زندگی و توازن شهر و روستا و به وجود آوردن شرایط مناسب زندگی برای جوانان و افراد تحصیل کرده، عدم رعایت ضوابط فنی در ساخت و ساز" بر اساس مطالعات و بررسی های انجام پذیرفته، روستاهای کشور از نظر کالبدی و فیزیکی دچار مسایل عدیده ای می باشند.

عدم دسترسی به مسکن مناسب، معابر تنگ و باریک، کیفیت پایین ساخت و مقاومت کم در مقابل عوامل مخرب طبیعی و در نتیجه آسیب پذیر بودن بافت خانه ها، استفاده از مصالح کم دوام و بومی (بدون توجه به استانداردها که در صورت رعایت این امر مصالح بوم آورد می تواند به عنوان نقطه مثبت در امر ساخت و ساز نیز تلقی شود) و امثال آن جامعه روستایی کشور را دچار آسیب های اقتصادی، اجتماعی نموده است. بر این اساس از آنجا که مسکن در روستاهای کشور از کیفیت خوبی برخوردار نیست، ضرورت توجه به مسئله بهسازی مسکن روستایی اهمیت پیدا می کند. توسعه روستایی از عوامل مختلفی نشأت می گیرد که یکی از آن ها مسکن مطلوب است و بررسی دقیق آن در مطالعات اجتماعی - اقتصادی و فضایی مورد توجه برنامه ریزان به خصوص فعالان عرصه مسائل روستایی است. به ویژه اگر مسئله مسکن در روند اجرای برنامه های توسعه اثرات نامطلوب داشته باشد، ضرورت توجه به آن دو چندان خواهد بود (لطفی و دیگران، 1388: 109).

با توجه به موارد فوق الذکر و با توجه به این که 50985 هزار روستا با جمعیت 22123054 نفر و معادل 31/54 درصد در سال 1385 در اقصی نقاط کشور ایران پراکنده شده اند. همچنین متعاقب آن استان آذربایجان شرقی در سال 1385 با دارا بودن 2507 روستا با جمعیت

تعداد نمونه‌های مقاله حاضر 402 نقطه روستایی با 8613 پرسشنامه بوده که برای هر یک از شهرستان‌ها تعداد نمونه‌ها و به تبع از آن تعداد پرسشنامه‌ها متفاوت بوده است. به این ترتیب که برای شهرستان آذرشهر 13 نمونه با 499 پرسشنامه؛ اسکو 17 نمونه با 504 پرسشنامه؛ اهر 31 نمونه با 505 پرسشنامه؛ بستان آباد 24 نمونه با 507 پرسشنامه؛ بناب 17 نمونه با 500 پرسشنامه؛ تبریز 17 نمونه با 517 پرسشنامه؛ جلفا 15 نمونه با 476 پرسشنامه؛ چاراویماق 25 نمونه با 485 پرسشنامه؛ سراب 21 نمونه با 511 پرسشنامه؛ شبستر 18 نمونه با 510 پرسشنامه؛ عجب شیر 16 نمونه با 500 پرسشنامه؛ کلیبر 30 نمونه با 502 پرسشنامه؛ مراغه 23 نمونه با 502 پرسشنامه؛ مرند 17 نمونه با 507 پرسشنامه؛ ملکان 19 نمونه با 510 پرسشنامه؛ میانه 32 نمونه با 510 پرسشنامه؛ ورزقان 21 نمونه با 503 پرسشنامه؛ هریس 21 نمونه با 498 پرسشنامه و هشتروند 26 نمونه با 489 پرسشنامه. تعداد شاخص‌های مستخرج و مورد استفاده در نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی به لحاظ شاخص‌های مسکن 37 شاخص به شرح زیر است:

1. درصد واحدهای مسکونی معمولی بر حسب وضعیت و نوع سند؛
2. درصد واحدهای مسکونی دارای زیربنای 180 مترمربع و بیشتر؛
3. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای پنج اتاق و بیشتر؛
4. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای حیاط؛
5. معکوس واحدهای مسکونی معمولی فاقد ایوان؛
6. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای چهار نما و بیشتر؛
7. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای مستراح؛
8. درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل کولر آبی و گازی؛
9. درصد واحدهای مسکونی معمولی کمتر از پنج سال عمر؛
10. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای

11. درصد واحدهای بازشوی بزرگ در فضاهای زیستی؛
12. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای بیش از 5 بازشوی بزرگ در فضاهای زیستی؛
13. معکوس دارای بیش از 500 متر مربع مساحت زمین؛
14. واحدهای مسکونی معمولی فاقد فضای غیر زیستی؛
15. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای بیش از 100 مترمربع سطح اشغال زیربنای طبقه همکف؛
16. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای بیش از 150 متر مربع مساحت زیربنای فضاهای زیستی؛
17. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای فضاهای معیشتی بیش از 150 متر مربع مساحت زیربنا؛
18. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای فضاهای مشترک زیستی و معیشتی کشور بیش از 150 متر مربع؛
19. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای سه اتاق و بیشتر دارای عملکرد زیستی؛
20. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای دو اتاق و بیشتر دارای عملکرد زیستی؛
21. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای دو اتاق و بیشتر دارای عملکرد زیستی و معیشتی؛
22. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای فضای باز برای نگهداری حیوانات؛
23. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای حیاط بر حسب عملکرد زیستی و معیشتی؛
24. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای سازه فلزی و بتنی در فضاهای زیستی و معیشتی؛
25. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای کلاف فلزی در دیوار و سقف به علاوه کلاف فلزی در دیوار و بتنی در سقف؛
26. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای مصالح بتن در پی ریزی؛
27. معکوس واحدهای مسکونی معمولی بدون پی ریزی فضاهای زیستی؛
28. معکوس واحدهای مسکونی معمولی بدون کرسی چینی در فضاهای زیستی؛
29. درصد واحدهای مسکونی

است و تفکیک عامل‌ها به درستی انجام پذیرفته است. همچنین شاخص‌های مندرج در هر عامل از همبستگی بالایی برخوردارند. در تصویر 1 تعداد ابعاد قابل قبول بر اساس مقادیر ویژه و درصد تبیین واریانس تجمعی آن‌ها مشخص شده است.

تصویر 2، آزمون دنباله‌ای سنگریزه کتل، معیاری است برای تشخیص تعداد مناسب عامل‌هایی که می‌توان استخراج کرد. آزمون سنگریزه کتل، تقریباً بهترین راه حل جهت انتخاب تعداد درست عامل‌هاست. بر این اساس، نموداری بر حسب تعداد عامل‌ها و مقادیر ویژه مشخص می‌شود که می‌توان تعداد عامل‌هایی را که مقدار ویژه آن‌ها بزرگتر از یک است، تعیین کرد. در این نمودار، مقادیر ویژه بر حسب اهمیت آن‌ها از بزرگترین تا کوچکترین مقدار رسم می‌شود. بر این اساس، طبق تصویر 2، سه عامل که مقادیر ویژه آن‌ها بزرگتر از یک است نشان داده شده است.

بر اساس تقسیمات اداری - سیاسی سال 1385 استان آذربایجان شرقی دارای 19 شهرستان بوده است. با استفاده از روش تحلیل عاملی و شاخص ترکیبی توسعه انسانی، درجه توسعه یافتگی هر یک از نقاط روستایی شهرستان‌های استان، در شاخص‌های کمی و کیفی مسکن مورد محاسبه قرار گرفت. نتایج به دست آمده از هر دو روش، تفاوت‌هایی را در سلسله مراتب سطوح توسعه نشان می‌دهد. چنانچه در روش تحلیل عاملی، مراغه به‌عنوان برخوردارترین نقاط روستایی و چاراویماق به‌عنوان محروم‌ترین نقاط روستایی در میان شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی شناخته شده است و نقاط روستایی شهرستان تبریز رتبه دوم را از نظر توسعه یافتگی به دست آورده است. ولی در روش شاخص ترکیبی توسعه انسانی، شبستر به‌عنوان برخوردارترین نقاط روستایی در میان شهرستان‌های استان

معمولی استفاده کرده از آجر در دیوار فضاهای زیستی؛ 30. معکوس واحدهای معمولی استفاده کرده از کاهگل برای نما؛ 31. درصد واحدهای مسکونی معمولی استفاده کرده از بتن برای پوشش عمده سقف فضاهای زیستی؛ 32. معکوس واحدهای مسکونی معمولی فاقد عایق کاری رطوبتی سقف فضاهای زیستی؛ 33. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای موزائیک در کف فضاهای زیستی؛ 34. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای سازه فلزی - بتنی فضاهای معیشتی؛ 35. درصد واحدهای مسکونی معمولی استفاده کرده از سنگ در دیوار فضاهای زیستی؛ 36. درصد واحدهای مسکونی معمولی استفاده کرده از بلوک در دیوار فضاهای زیستی؛ 37. درصد واحدهای مسکونی معمولی استفاده کرده از بتن برای پوشش عمده سقف فضاهای زیستی؛

رتبه‌بندی و تعیین درجه توسعه یافتگی نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی

رتبه‌بندی و تعیین درجه توسعه یافتگی نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی با استفاده از روش‌های تحلیل عاملی و شاخص ترکیبی توسعه انسانی در سال 1387

برای سنجش سطوح توسعه نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی، 37 شاخص مورد استفاده قرار گرفته است. به‌منظور تفکیک و دسته‌بندی شاخص‌ها از روش تحلیل عاملی بر اساس تجزیه مؤلفه‌های اصلی و چرخش وریماکس¹ استفاده شد که نتایج آزمون KMO و B.T.S در هر کدام از دسته‌بندی‌ها نشان می‌دهد که کفایت نمونه‌گیری حاصل آمده

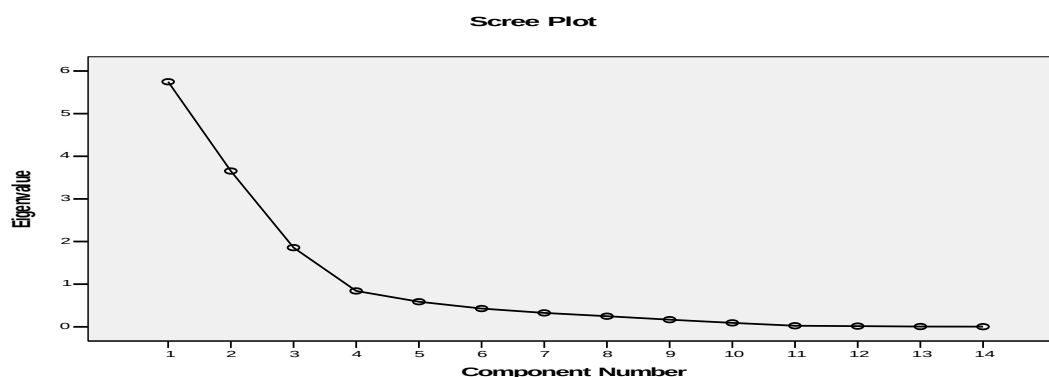
آذربایجان شرقی مشخص شده است و نقاط روستایی تبریز در رتبه دوم پس از شبستر قرار گرفته است. نقاط روستایی ورزقان نیز به عنوان محروم ترین نقاط روستایی در میان نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی معرفی شده است (تصویر 13).

وضع موجود اجتماعات انسانی و رفتار آنها، عدم امکان کمی کردن همه امور کیفی، عدم امکان و شناسایی همه متغیرها و نهایتاً الزام به کاهش تعداد متغیرها¹ در مدل های کمی دانست (بدری و اکبریانی رونیزی، 1385: 20).

"ت1" ابعاد و اجزای تحلیل عاملی نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی در سال 1387.

بخش	سال 87	تعداد عامل ها	KMO	B.T.S	مقدار ویژه	درصد واریانس تجمعی
مسکن		3	/648	408/875	2/192	75/476
					1/978	
					1/674	

"ت2" سنگریزه کتل.



بنابراین در کاربرد روش های کمی رعایت جانب احتیاط ضرورت داشته و صرف استفاده از یک یا چند مدل کمی نمی تواند نشان دهنده تمامی واقعیات موجود یک جامعه باشد. این امر را می توان ناشی از چندین عامل از جمله ضعف روش های کمی در ارائه تحلیل دقیق از

رتبه بندی و تعیین درجه توسعه یافتگی نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی با استفاده از روش تاپسیس در سال 1387 نتایج حاصل از محاسبات با استفاده از روش تاپسیس در شاخص های کیفی و کمی مسکن نشان می دهد که

به عنوان عنصر ناهمگن در پهنه جغرافیایی استان نمود پیدا کند. همچنین با استناد به تصویر 13 نشان می دهد که الگوی توسعه در نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی تا حدودی از الگوی مرکز - پیرامون تبعیت می کند. به صورتی که تمرکز امکانات و خدمات در نقاط روستایی شهرستان تبریز و روستاهای اطراف آن، همزمان رکود نسبی فعالیت ها در شهرستان های هم مرز با استان های همجوار، نابرابری و واگرایی ناحیه ای را دامن زده است. همچنین با توجه به این اصل که «نواحی فقیر از لحاظ سیاسی نیز در حاکمیت ضعیف هستند، از این رو نمی توان انتظار داشت که منابع در اختیار دولت بر اساس منطق عدالت خواهانه راولز که معتقد است بیشترین منابع باید به محروم ترین منطقه اختصاص یابد، تعلق گیرد» (هاروی، 1379: 113)، در ذیل مراحل روش تاپسیس به اختصار ذکر شده است.

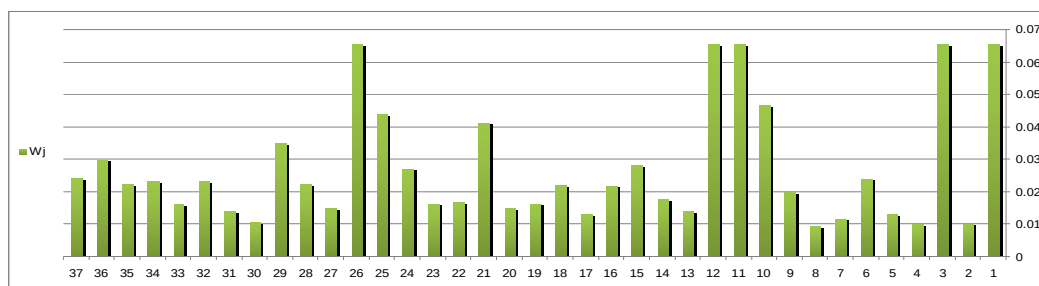
نقاط روستایی شهرستان تبریز، توسعه یافته ترین نقاط روستایی در میان نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی می باشد. همچنین نقاط روستایی شهرستان های کلبر و مراغه به ترتیب از لحاظ توسعه یافتگی در رتبه های بعدی قرار می گیرند. اما نقاط روستایی شهرستان های سراب، میانه، هریس و ورزقان محروم ترین نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی از لحاظ شاخص های کمی و کیفی مسکن به شمار می آیند.

مقادیر Cl_i حاصل از محاسبات نشان دهنده شکاف و واگرایی میان نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی از لحاظ توسعه یافتگی می باشد. نقاط روستایی شهرستان تبریز به دلیل مرکزیت اداری - سیاسی توانسته است، تفوق خود را در ناحیه حفظ و فاصله خود را نسبت به سایر نواحی بیشتر کرده و

"ت3" اوزان شاخص ها بر اساس روش آنتروپی.

X1	x2	x3	x4	x5	x6	x7	x8	X9	x10
0.065475	0.009989	0.065475	0.009812	0.012969	0.023954	0.011675	0.009319	0.019653	0.046613
x11	x12	x13	x14	x15	x16	x17	x18	X19	x20
0.065475	0.065475	0.013729	0.017691	0.028261	0.021895	0.013129	0.022084	0.01632	0.014785
x21	x22	x23	x24	x25	x26	x27	x28	X29	x30
0.041366	0.016729	0.016118	0.027111	0.043909	0.065475	0.015024	0.022291	0.034903	0.0106
x31	x32	x33	x34	x35	x36	x37			
0.013863	0.023142	0.015882	0.023174	0.022462	0.029868	0.024268			

"ت4" ترسیم هندسی اوزان شاخص ها بر اساس روش آنتروپی.



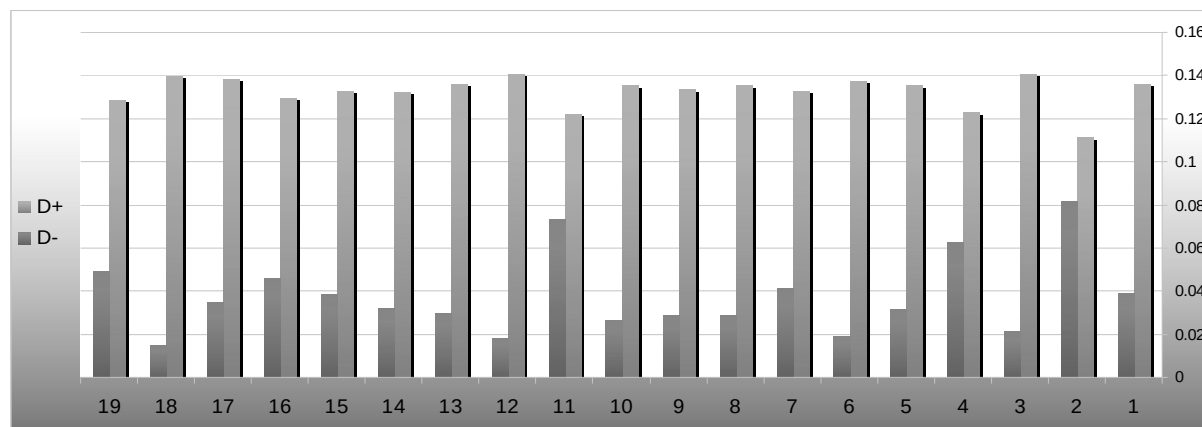
همانطور که تصویر 4، نشان می‌دهد شاخص بیست و ششم بیشترین وزن و شاخص هشتم کمترین وزن را در مقایسه با شاخص‌های دیگر داراست.

در تصویر 7 فواصل اقلیدسی هر یک از شاخص‌های توسعه از جواب‌های ایده آل مثبت و منفی مربوط به شاخص‌های کمی و کیفی مسکن به کمک روابط D^+ و D^- محاسبه شده است.

"ت 5" ایده‌آل‌های مثبت و منفی یا ماکزیمم و مینیمم شاخص‌های توسعه.

Index	x1	x2	x3	x4	x5	x6	X7	x8	x9
Max	0.065325616	0.002635485	0.038295	0.003767	0.007132	0.016637	0.00521	0.003339	0.009358
Min	0	0.000131774	0	0.001076	0.000625	0.000499	0.000444	0.001329	0.000142
Index	x10	x11	x12	x13	x14	x15	x16	x17	x18
Max	0.032537	0.054971	0	0.00572	0.005011	0.025299	0.00986	0.005997	0.013305
Min									
Index	x19	x20	x21	x22	x23	x24	x25	x26	x27
Max	0.008786	0.003463	0.019147	0.007665	0.007819	0.016764	0.040046	0.065475	0.006083
Min	9.06E-05	0.003265	0.000479	7.74E-06	0	0	0	0	0
Index	x28	x29	x30	x31	x32	x33	x34	x35	x36
Max	0.014865	0.033923	0.003385	0.006926	0.015005	0.008337	0.02164	0.01484513	0.01877
Min	0	0	0.000245	0.000151	0	0.000516	2.7E-05	0	0
Index	x37								
Max	0.01601								
Min	0								

"ت 6" ایده‌آل‌های مثبت یا ماکزیمم شاخص‌های توسعه و ایده آل‌های منفی یا مینیمم شاخص‌های توسعه.



"ت7" فواصل هریک از شاخص‌ها از جواب‌های ایده آل و طرح نزدیکی آن‌ها.

نام شهرستان	D+	D-	Cli
اهر	0.135711642	0.0390585	0.223485
تبریز	0.11127725	0.081890949	0.423936
سراب	0.140534928	0.021153603	0.130829
مراغه	0.122745837	0.063019216	0.339242
مرند	0.135445097	0.031538028	0.18887
میانه	0.137263177	0.019318637	0.123377
هشترود	0.132928685	0.041263928	0.23691
بناب	0.135437846	0.028942893	0.176072
بستان آباد	0.133319706	0.0288865	0.178085
شبستر	0.135479493	0.026503904	0.163621
کلبر	0.122288557	0.073368657	0.374986
هریس	0.140583153	0.018187531	0.114519
جلفا	0.135706839	0.02990679	0.180582
ملکان	0.132456294	0.031865965	0.193924
آذرشهر	0.13306885	0.038580356	0.224763
اسکو	0.129327747	0.04578536	0.261462
چاراویماق	0.138052994	0.034976985	0.202144
ورزقان	0.139702567	0.01478909	0.095727
عجب شیر	0.128667772	0.049528635	0.277863

تصویر 13 رتبه هر یک از نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی را در سال 1387 بر اساس شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در مطالعه حاضر نشان می‌دهد. در این مرحله، فاصله نسبی هر گزینه به ترتیب بزرگ به کوچک مرتب شده است.

بنابراین، گزینه‌ای که دارای بزرگترین فاصله نسبی به سایر گزینه‌هاست، بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است. نتایج حاصل از محاسبات نشان می‌دهد که نقاط روستایی شهرستان تبریز، دارای بیشترین مقدار Cli و نقاط روستایی شهرستان ورزقان دارای کمترین مقدار Cli

در شاخص‌های توسعه می باشد. بنابراین نتیجه می‌گیریم که از لحاظ توسعه یافتگی نقاط روستایی شهرستان تبریز در سال 1387 با توجه به شاخص‌های مورد بررسی در مطالعه حاضر، توسعه یافته ترین و نقاط روستایی شهرستان ورزقان محروم ترین نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی به‌شمار می‌آیند.

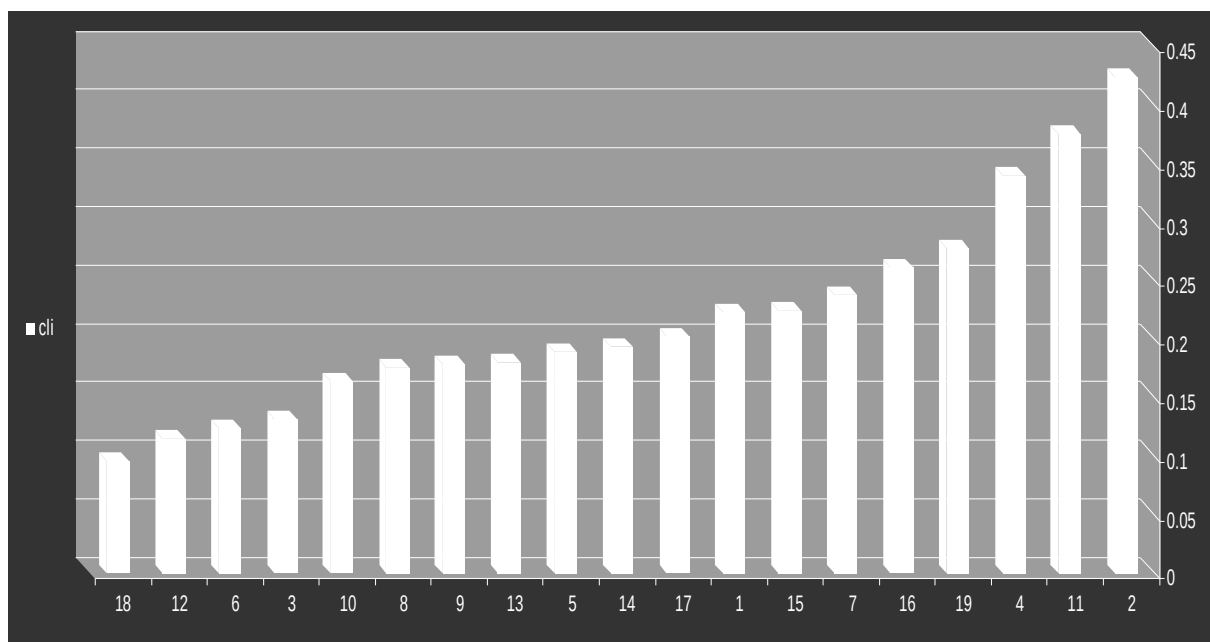
رتبه‌بندی و تعیین درجه توسعه یافتگی با استفاده از روش‌های تاکسونومی عددی و امتیاز استاندارد در سال 1387

با استفاده از روش تاکسونومی عددی و امتیاز استاندارد، درجه توسعه یافتگی هر یک از نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در شاخص‌های کمی و کیفی مسکن مورد محاسبه قرار گرفت.

نتایج به دست آمده از هر دو روش، تفاوت‌هایی را در سلسله مراتب سطوح توسعه نشان می‌دهد. چنانچه در روش تاکسونومی عددی، تبریز به‌عنوان برخوردارترین نقاط روستایی شهرستان استان آذربایجان شرقی و ملکان به‌عنوان محروم ترین نقاط روستایی شهرستان استان آذربایجان شرقی شناخته شده است. ولی در روش امتیاز استاندارد، بناب به‌عنوان برخوردارترین نقاط روستایی شهرستان استان آذربایجان شرقی مشخص شده است و نقاط روستایی شهرستان تبریز در رتبه چهارم پس از مراغه در میان نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی قرار گرفته است.

ورزقان نیز به‌عنوان محروم ترین نقاط روستایی شهرستان استان آذربایجان شرقی معرفی شده است (تصویر 13). در ذیل مراحل روش تاکسونومی عددی به اختصار ذکر شده است.

"8" مقادیر Cli بر اساس شاخص‌های کمی و کیفی مسکن توسعه در نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی.



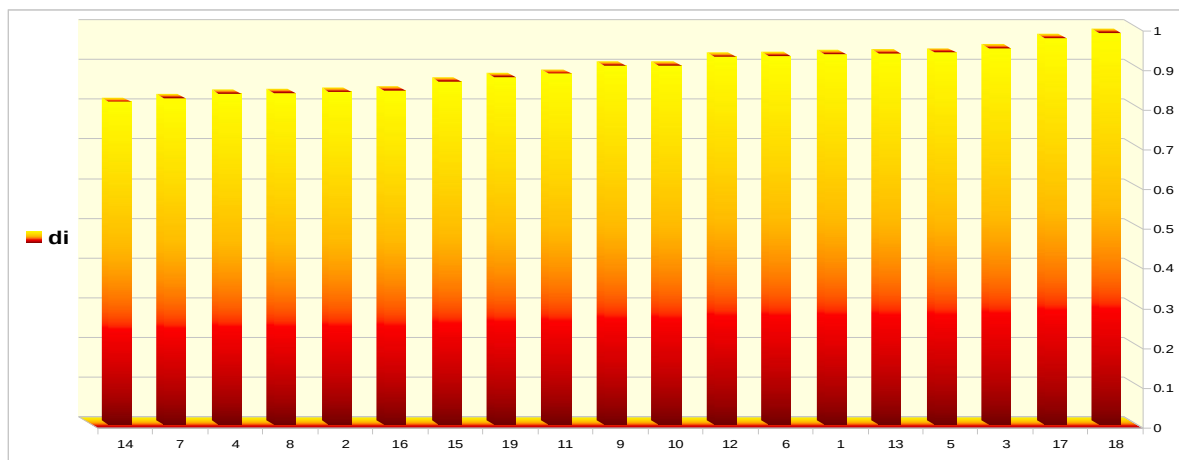
"ت9" ماتریس تصمیم گیری.

x1	x2	x3	x4	x5	x6	x7	x8	X9	x10
0.64	41	0	12	5.7	6.2	9.1	40	1.6	2.2
x11	x12	x13	x14	x15	x16	x17	x18	X19	x20
0	0	19	65	10.2	0	14.5	0	5.4	99.4
x21	x22	x23	x24	x25	x26	x27	x28	X29	x30
2.6	92	83	0	0	0	8	336	148	38
x31	x32	x33	x34	x35	x36	x37			
58	6.1	1.7	5	4.5	0	0.2			

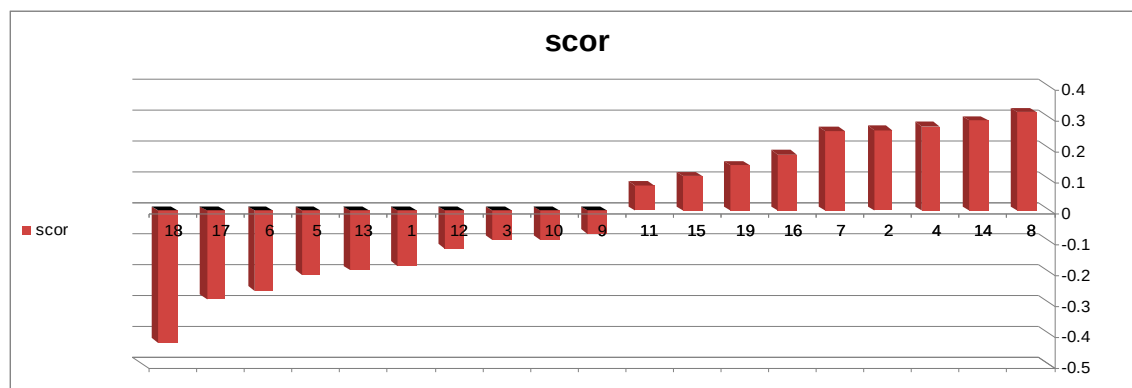
"ت10" ماتریس بی مقیاس شده موزون.

x1	x2	x3	x4	x5	x6	x7	x8	X9	x10
- 0.239370198	- 1.682388427	- 0.86275	0.013 348	-1.00871	- 0.168090841	- 1.09895	- 1.42515	- 1.1445	- 0.49550786 6
x11	x12	x13	x14	x15	x16	x17	x18	X19	x20
-0.3256	0	- 0.67819	- 1.27259	0.012922	-0.90737	- 0.87627	- 0.84046	- 0.69689	0.819038
x21	x22	x23	x24	x25	x26	x27	x28	X29	x30
1.618239	1.611734	- 0.6571	- 0.37879	-0.22942	0.606781	0.962 902	4.050 569	- 0.94753	1.618239
x31	x32	x33	x34	x35	x36	x37			
1.073437	0.034378	- 0.76722	- 0.50242	- 0.405836993	-0.61486	- 0.28658			

"ت11" مقادیر F و di نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی بر اساس روش تاکسونومی عددی در سال 1387.



"ت12" مقادیر امتیاز استاندارد نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی بر اساس روش امتیاز استاندارد در سال 1387.



جمع بندی روش ها

برای مقایسه روش های مورد مطالعه و همچنین دستیابی به نتیجه مطلوب و بهینه، تطبیق رتبه های هر یک از روش ها با یکدیگر و گرفتن میانگین رتبه های به وسیله تلفیق کردن رتبه روش های مناطق حاصل از شاخص های کمی و کیفی مسکن، کار منطقی و معقولی به نظر می رسد. چرا که از این طریق بهینه ترین جواب حاصل می شود. با توجه به این که هر کدام از روش ها دارای نواقصی در محاسبه شاخص ها و رتبه نواحی می باشند از این رو، میانگین رتبه ها می تواند در این مورد کار ساز باشد و به برنامه ریزان و طراحان توسعه کمک کند مناطقی که از لحاظ شاخص های توسعه یافتگی در تنگنا قرار دارند، در اولویت برنامه ریزی و توسعه منطقه و کشور قرار گیرند. بنابراین از این طریق تا حدودی از شکاف و واگرایی ناحیه ای کاسته شده و جامعه به سوی رشد متعادل و متوازن منطقه به پیش خواهد رفت. برای این منظور در تصویر 13، درجه و رتبه هریک از روش ها در شاخص های مورد مطالعه ذکر شده است. در نهایت نیز رتبه میانگین نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی محاسبه و نشان داده شده است.

خوشه بندی و تعیین سطوح توسعه نقاط

روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی

سطح بندی نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی بر اساس روش تلفیقی یکی از اهداف اصلی پژوهشگر بوده است. برای دستیابی به این هدف، با استفاده از روش تحلیل خوشه ای به شیوه سلسله مراتبی، نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی به سه گروه توسعه یافته، نیمه توسعه یافته و محروم تقسیم شده است (تصویر 14).

خوشه بندی و تعیین سطوح توسعه نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی نشان می دهد که تقریباً نقاط روستایی شهرستان های توسعه یافته جزو شهرستان های مسلط استان یعنی تبریز و مراغه بوده اند. بنابراین یک نتیجه گیری کلی در این مورد حاصل می شود و آن این که نقاط روستایی شهرستان هایی توسعه یافته هستند که نقاط شهری آنها نیز توسعه یافته باشند. به عبارت دیگر رخنه به پایین یا نشت به پایین که در نظریه مرکز - پیرامون بر آن تأکید می شود در نواحی مورد مطالعه تا حدودی صادق می باشد (تصویر 14 و تصویر 16).

"ت13" خلاصه نتایج رتبه‌بندی نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی در شاخص‌های کمی و کیفی مسکن با استفاده از روش های مورد مطالعه در سال 1387.

نام شهرستان	تحلیل عاملی		شاخص ترکیبی توسعه انسانی		تاپسیس		تاکسونومی عددی		امتیاز استاندارد		تلفیقی از روش ها
	رتبه	امتیاز عاملی	HDI	رتبه	مقادیر Cli	رتبه	مقادیر di	رتبه	امتیاز استاندارد	رتبه	رتبه
اهر	11	68/92	/5	9	0.223485	8	0.93284109	6	-0.176164147	14	9
تبریز	3	78/42	/64	2	0.423936	1	0.985806426	1	0.261456008	4	1
سراب	15	64/19	/45	13	0.130829	16	0.835156433	16	-0.094898535	12	16
مراغه	1	84/15	/54	7	0.339242	3	0.972339767	2	0.27354192	3	2
مرند	10	69/24	/53	8	0.18887	11	0.937617958	4	-0.207078967	16	10
میانه	8	71/45	/49	10	0.123377	17	0.928208935	7	-0.25637343	17	14
هشتروند	9	71/23	/49	11	0.23691	6	0.821698303	18	0.256214368	5	11
بناب	6	73/12	/59	6	0.176072	14	0.947603202	3	0.319284509	1	5
بستان آباد	14	65/45	/46	12	0.178085	13	0.904241058	10	-0.073371154	10	15
شبستر	12	67/81	/66	1	0.163621	15	0.904953129	9	-0.093393705	11	8
کلبر	17	62/20	/42	16	0.374986	2	0.883969544	11	0.081427177	9	12
هریس	16	63/24	/41	18	0.114519	18	0.925378696	8	-0.121128675	13	17
جلفا	7	72/81	/63	3	0.180582	12	0.935287195	6	-0.192026868	15	6
ملکان	13	67/42	/44	14	0.193924	10	0.814273679	19	0.291345948	2	13
آذرشهر	2	83/52	/60	5	0.224763	7	0.865298836	13	0.111595171	8	4
اسکو	4	76/22	/62	4	0.261462	5	0.842767405	14	0.180977433	6	3
چاراویماق	19	61/02	/41	17	0.202144	9	0.833983355	17	-0.284002004	18	18
ورزقان	18	62/12	/40	19	0.095727	19	0.836824949	15	-0.425072591	19	19
عجب شیر	5	74/25	/43	15	0.277863	4	0.874766674	12	0.0147667541	7	7

"ت14" سطوح توسعه نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی بر اساس روش تلفیقی در سال 1387.

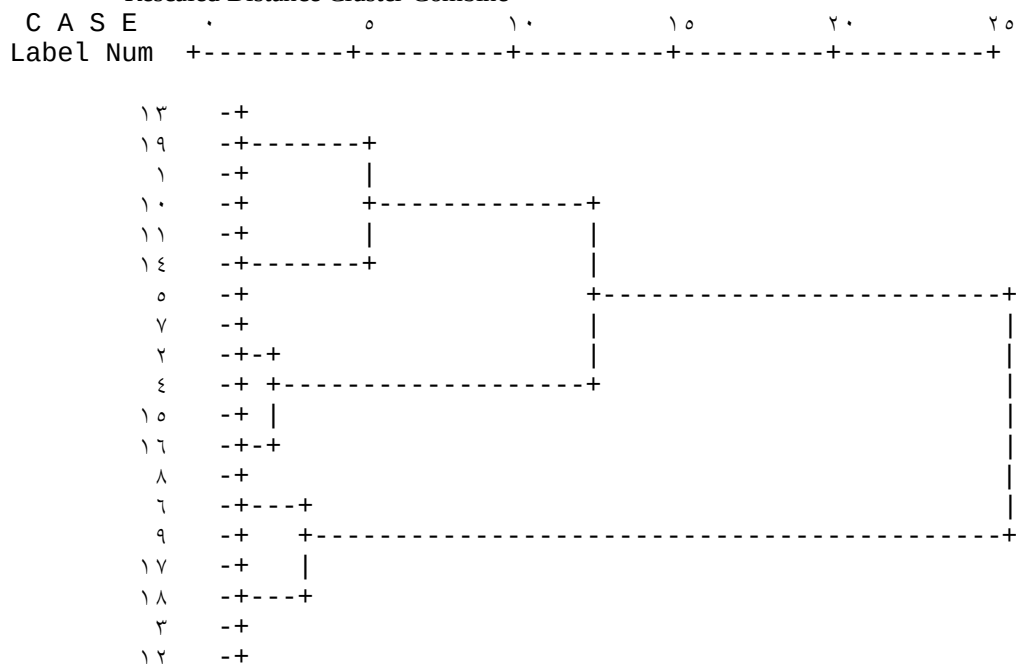
نام شهرها	میزان برخورداری
تبریز، مراغه، اسکو، آذرشهر و بناب.	توسعه یافته
جلفا، عجب شیر، شبستر، اهر، مرند، هشتروند، کلبر و میانه.	نیمه توسعه یافته
بستان آباد، سراب، هریس، چارواویماق و ورزقان.	محروم

همچنین با نگاه به تصویر 14 و تصویر 16 مشخص می‌شود که تقریباً بیشتر نقاط توسعه یافته روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی در مرکز استان قرار گرفته‌اند. این امر بیانگر تجمع و تراکم امکانات در این ناحیه به دلیل وجود شهرستان مسلط تبریز است و تا حدودی وجود تسلط مرکز- پیرامون را در ناحیه مورد مطالعه ثابت می‌کند. اما در عوض در محور شرق استان بیشتر نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی نظیر ورزقان، هریس و چاراویماق، دارای امکانات زیربنایی و ارتباطی و به لحاظ شاخص های کمی و کیفی مسکن ضعیف و محروم می باشند که این امر عدم تعادل بین نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی را تشدید می‌کند. همچنین آمارها حاکی از آن است که

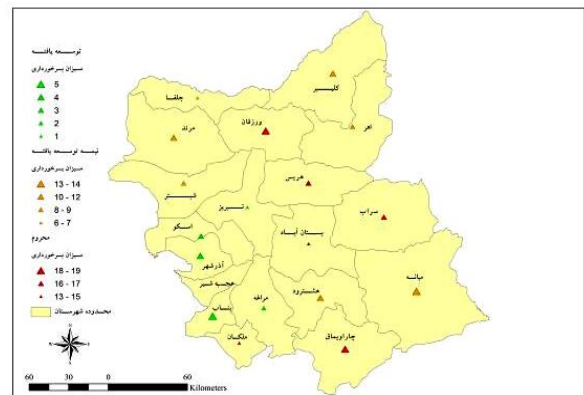
بیشترین مناطق مهاجرفرست استان آذربایجان شرقی از نقاط روستایی محور شرق استان می باشد. در نهایت با خوشه بندی و تعیین سطوح توسعه روشن می شود که بیشتر نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی از لحاظ سطوح توسعه یافتگی در ردیف نیمه توسعه و محروم قرار گرفته اند. این امر شکاف و واگرایی ناحیه‌ای را در استان آذربایجان شرقی نشان می‌دهد و این امر را برای برنامه ریزان و طراحان توسعه گوشزد می‌کند که جهت توسعه پایدار شهری بایستی به روستاها توجه بیشتری کرد و به عبارتی بایستی روستاهای سبز و پایدار را در محیط روستاها خلق کرد. چرا که کریدور شهرهای پایدار از روستاهای پایدار می‌گذرد.

"ت 15" دندورگرام حاصل از روش تحلیل خوشه‌ای میانگین رتبه‌ها.

Dendrogram using Average Linkage (Between Groups)
Rescaled Distance Cluster Combine



ت 16" سطوح توسعه نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی بر اساس روش تلفیقی در سال 1387.



نتیجه

در تحقیق حاضر، 37 شاخص کمی و کیفی مسکن روستایی از طریق روش های تحلیل عاملی، شاخص ترکیبی توسعه انسانی، تاپسیس، امتیاز استاندارد و تاکسونومی عددی در نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی در سال 1387 مورد بررسی قرار گرفت. در پایان نیز با تلفیق رتبه ها، میانگینی از آن ها محاسبه شده است. نتایج حاصل از روش های فوق الذکر تفاوت هایی را در سلسله مراتب سطوح توسعه نشان می دهد. چنانچه به عنوان نمونه برخوردارترین نقاط روستایی شهرستان استان در روش تحلیل عاملی و شاخص ترکیبی توسعه انسانی به ترتیب تبریز و شبستر می باشد. در حالی که محروم ترین نقاط روستایی استان در همین روش ها به ترتیب چاراویماق و ورزقان می باشد. همچنین نوسان در سلسله مراتب سطوح توسعه در روش های امتیاز استاندارد، تاکسونومی عددی و تاپسیس نیز دیده می شود. بنابراین در کاربرد روش های کمی رعایت جانب احتیاط ضرورت دارد. نتایج حاصل از بهره گیری از روش تلفیقی در رتبه بندی و تعیین سلسله مراتب سطوح توسعه در استان نشان

می دهد که تبریز به عنوان برخوردارترین نقاط روستایی و ورزقان به عنوان محروم ترین نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی شناخته می شود. خوشه بندی و تعیین سطوح توسعه حاصل از رتبه های میانگین روش ها با استفاده از روش تحلیل خوشه ای نشان می دهد که 5 نقطه روستایی از شهرستان های استان آذربایجان شرقی در ردیف توسعه یافته، 8 نقطه روستایی در ردیف نیمه توسعه یافته و 6 نقطه روستایی در ردیف محروم قرار گرفته اند. همچنین نتایج حاصل از روش تحلیل خوشه ای نشان می دهد که تقریباً بیشتر نقاط توسعه یافته روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی در مرکز استان و یا در اطراف نقاط مسلط شهرستان های استان از جمله تبریز یا مراغه قرار گرفته اند که این امر ناشی از تبعیت الگوی توسعه نقاط روستایی استان از الگوی مرکز - پیرامون می باشد.

پی نوشت

1. Varimax
2. Reductionism

منابع

- افشار، ایرج. (1373). برنامه ریزی مسکن، جزوه مدون درسی، تهران، دانشکده هنرهای زیبا، گروه شهرسازی.
- اهری، زهرا و دیگران. (1370). مسکن حداقل، چاپ دوم، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
- بدری، علی؛ سعیدرضا اکبریان رونیزی. (1385). «مطالعه تطبیقی کاربرد روش های سنجش توسعه یافتگی در مطالعات ناحیه ای»، مجله جغرافیا و توسعه، شماره پیاپی 7 (بهار و تابستان).
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. (1387). نتایج آمارگیری ویژگی های مسکن روستایی سال 1387، استان آذربایجان شرقی.
- چایلد، باری گود. (1379). «طراحی مسکن، فرم شهر و توسعه پایدار»، ترجمه ایرج اسدی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره 4 (زمستان).

- Burrows, R (1999); "Residential Mobility and Residualisation in Social Housing in England", Journal of Social Policy, Vol. 28.
- Gallent, Nick Shucksmith, Mark and Tewdwr (2003); Housing in the European Countryside; Rural Pressure and Policy in Western Europe, Rutledge.
- Milbourn & Poul Cloke (2006); International Perspectives on Rural Homelessness, Routledge.
- Galster, G (1988); "Residential Segregation in American Cities a Contrary Review", Population Research and Policy Review, Vol. 7.3.
- Huang, Youqin & leiwen Jiang (2009); "Housing Inequality in Transitional Beijing", International Journal of Urban and Regional Research, Vol. 33.4 (December).
- Huang, Youqin (2005); From Work-unit Compounds to Gated Communities: Housing Inequality and Residential Segregation in Transitional Beijing. In L. J. C. Ma and f. Wu (eds).
- Logan, J., Y. Bian & F. Bian (1999); "Housing Inequality in Urban China in the 1990", International Journal of Urban and Regional Research, Vol. 23.1.
- Milbourn & Poul Cloke (2006); International Perspectives on Rural Homelessness, Routledge.
- Galster, G (1988); "Residential Segregation in American Cities a Contrary Review", Population Research and Policy Review, Vol. 7.3.
- Powers, William & et al (2000); "Why Housing Matters", Rural Voice, Vol. 6.2.
- Sawicki, Davids & Patrice Flynn (1996); "Neighborhood Indicators: A Review of the literature and on Assessment of Conceptual and Methodological Issues", Journal of the American Planning Association, Vol. 62. 2.
- Szelenyi, I (1979); "Social Inequalities in State Socialist Redistributive Economics: Dilemmas for Social Policy in Contemporary Socialist Societies in Eastern Europe", International Journal of Comparative Sociology, Vol. 19.
- Szelenyi, I (1983); Urban Inequalities under State Socialism, Oxford: Oxford university press.
- حبیبی، محسن. (1375)، از شار تا شهر، دانشگاه تهران، تهران.
- دلال پورمحمدی، محمدرضا . (1379)، برنامه‌ریزی مسکن، سمت، تهران.
- زبردست، اسفندیار . (1379)، «شاخص‌های مسکن و شاخص‌های شهری»، بخش اول، مجله اسکان، فصلنامه کمیته ملی اسکان بشر، سال پنجم، شماره 1.
- سرتیپی‌پور، محسن (1384)، «شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران»، نشریه هنرهای زیبا، شماره 22 (تابستان).
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1385، برگرفته از سایت مرکز آمار ایران به نشانی: <http://www.Sci.org.ir>.
- سعیدی، عباس؛ مهدی طالب. (1376)، «طرح سطح‌بندی خدمات روستایی»، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- طالب، مهدی و دیگران . (1379)، «میزگرد ساماندهی سکونتگاه روستایی از اندیشه تا عمل»، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره 98.
- عزیزی، محمد مهدی . (1373)، بررسی شاخص‌های مسکن در کشورهای مختلف جهان، طرح مطالعاتی تهران: سازمان ملی زمین و مسکن، دفتر برنامه‌ریزی و اقتصاد مسکن.
- عزیزی، محمد مهدی . (1384)، «تحلیلی بر جایگاه و دگرگونی شاخص‌های مسکن شهری در ایران»، نشریه هنرهای زیبا، شماره 23 (پاییز).
- لطفی حیدر و دیگران (1388)، «شاخص‌ها و مؤلفه‌های ضروری در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری مسکن روستایی در ایران»، فصلنامه جغرافیایی آمایش، شماره 7 (زمستان).
- مرکز آمار ایران. (1386)، سالنامه آماری کشور 1385، مرکز آمار ایران، تهران.
- مرکز آمار ایران. (1386)، گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال 1385، مرکز آمار ایران، تهران، دفتر نشر و اطلاع رسانی.
- هادی‌زنوز، بهروز. (1384)، «فقر و نابرابری درآمد در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره 4، شماره 17 (تابستان).
- هاروی، دیوید. (1379)، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان؛ محمدرضا حائری و بهروز منادی‌زاده، چاپ دوم، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران)، تهران.